

سینمای ترسناک ایران جان می‌گیرد؟

این چیزی است که ساکنان آن تصور می‌کنند. این تصور باعث می‌شود که بدون هیچ عینیتی، هر چند وقت در روستا درگیری‌های خونینی نسبت به کسانی شکل گیرد که تصور می‌شود توسط جن‌ها تسخیر شده‌اند. یک گروه‌بان ژاندارمری به همین دلیل تفنگ‌های شکاری اهالی روستا را توقیف می‌کند و فرد مدعی جن‌گیری را هم که مردم روستا به او باور پیدا کرده‌اند، بازداشت می‌کند. این دو اتفاق موجی از ناراضی‌رادی را در مردم روستا ایجاد می‌کند که در نهایت به تلفاتی از میان زنان منجر می‌شود. این فیلم که پس از توقیف در جشنواره فیلم فجر، از میانه حضورهای بین‌المللی خود صاحب یک پخش‌کننده دانمارکی شد، در چندماه گذشته به جشنواره‌های فیلم مختلفی در کشورهای ایتالیا، آمریکا، کانادا، برزیل، هلند، سوئیس، هنگ کنگ، اسکاتلند، ترکیه، رومانی، کره جنوبی و فرانسه راه یافته و به جایزه‌هایی هم از جمله در جشنواره فیلم ونیز (فیپرشی) دست یافته است. تازه‌ترین نمایش بین‌المللی «زلاوا» در پنجاه و ششمین دوره جشنواره فیلم کارلووی واری در کشور جمهوری چک بوده که تقریباً همزمان با اکران آن در ایران صورت گرفت. این فیلم که در بخش غیررقابتی نمایش نیمه‌شب‌های جشنواره کارلووی واری پذیرفته شده بود، چهار نمایش را در سالن‌های مختلف کارلووی واری تجربه کرد. /خبرگزاری ایسنا



شاید در طول دهه‌ها از عمر سینمای ایران، تنها فیلم «شب بیست و نهم» را اثر جدی در ژانر وحشت و ترسناک با موضوع جن و آل می‌شد قلمداد کرد. حالا اما با تولید دو اثر در چند سال گذشته، با این موضوع، این نوع از سینمای ایران به عرصه‌های بین‌المللی هم راه یافته است. فیلم سینمایی «شب بیست و نهم» سال ۱۳۶۷ توسط حمیدرخشانی ساخته شد و سپس به‌عنوان تنها محصول این ژانر، در ویدیو کلیپ‌های کرایه فیلم، به جایگاه ویژه‌ای در نزد مخاطبان دست یافت. پس از آن، تلاش‌های جسته و گریخته کم‌رنگی در این زمینه در برخی آثار صورت گرفت اما آثار ژانر جنایی دلهره‌آور بیشتر راوی خشونت‌هایی بودند که بعضاً با بنیه سینمای ایران در این حوزه، حتا موقعیت‌های طنز ناخوایسته برای مخاطبان ایجاد کردند. ۳۰ سال طول کشید تا سینمای ژانر ترسناک ایران در سال ۱۳۹۷ شاهد ساخته شدن فیلم «پوست» توسط بهمن و بهرام ارک شد. این فیلم با توجه کردن به فرهنگ عامه اقلیم آذربایجان، به‌طور جدی پای جن‌ها را به سینمای ایران باز کرد. پس از توفیق‌های نسبی این فیلم، دو سال بعد، «زلاوا» هم به کارگردانی ارسلان امیری به موضوع «جن» در یک اثر سینمایی توجه کرد. روستای کردنشین و کوهستانی زلاوا محل مراجعه جن‌هاست. حداقل،



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری وصف صبا
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفيعی
معاون سردبیر: نغمه دانش آشتیانی

www.rooznamehsaba.com
rooznamehsaba

تهران - خیابان آیت‌الله مدنی - کوچه خجسته منش - پلاک ۵
تلفن: ۶-۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر امروز

جواهریان: «نگار» بخشی از زندگی‌ام است



پذیرفتم. فکر کردم من هیچ وقت در عمر کاری‌ام برای مخاطب تا این حد گسترده کار نکرده بودم و وقتش است این کار را انجام دادم و چی بهتر از این؟
خاتون قهرمان نبود. یک انسان بود و شاید خیلی وقت‌ها زورش نمی‌رسید چیزی را تغییر دهد. در واقع داستان دوره‌ای از تاریخ بود در یک سرزمین که به واسطه یک شخصیت روایت می‌شود. این مهمترین ویژگی بود برای من. سریال «خاتون» داستان فقط خاتون نیست. داستان انسانی است در آن دوره و در آن جغرافیا برای اینکه آن دوره را درک کنیم. /فیلم نیوز

خیلی دوست دارم. مطمئن بودم وقتی رفته سراغ این فیلمنامه حتما می‌تواند آن را بسازد. فیلم «نگار» براساس بخشی از زندگی من ساخته شد. زندگی من و رابطه‌ام با پدرم و خانواده‌ام باعث شد رامبد سراغ این ایده برود.

زمانی که تینا پاکروان اولین بار «خاتون» را پیشنهاد کرد نوردخت تازه بدنیا آمده بود. گفتم این الان برای من خیلی سخت است. به تینا گفتم عذر می‌خواهم و با بچه نمی‌شود. یک سال بعد «خاتون» کلید خورد. در آن یکسال تینا با افراد دیگری حرف زده بود و بعد دوباره به من پیشنهاد داد. گفت حالا که نوردخت بزرگ شده بازی کن و دیگر

نگار جواهریان از مهمترین فیلم‌های کارنامه‌اش، اثری که به واسطه‌اش بیشتر شناخته شده، فیلم «نگار»، علاقه‌اش به کمدی، بازی در «خاتون» و... گفت. بخش‌های مهمی از صحبت‌هایش را مرور می‌کنیم. «تنها دو بار زندگی می‌کنیم» شروع جریان فیلم‌های مهمی بود که بازی کردم. از همان اولین جلسه‌ها متوجه شدم این پروژه بخصوصی است. از وسواس و نگاه بهنام بهزادی برای این نقش و تعریف‌هایی که در ذهن داشتند، می‌فهمیدم خیلی فکر کرده‌اند. برایم خیلی پروژه جالبی بود. ضمن اینکه «تنها دو بار زندگی می‌کنیم»، فیلم مورد علاقه پدرم بود و مدام می‌گفت باز هم از این فیلم‌ها بازی کن. این فیلم در کارنامه‌ام خیلی اثر گذار بود.

مردم بیشتر من را با «زیر تیغ» شناختند اما در سینما «طلا و مس» اولین فیلمم بود که خیلی دیده شد. برای مردم بیشتر با «طلا و مس» شناخته شدم و برای سینماگران و منتقدان با «تنها دو بار زندگی می‌کنیم». بعد از «طلا و مس» پیشنهادهایی شبیه به آن خیلی زیاد بود اما من نمی‌خواستم باز هم چنین نقشی بازی کنم. این نگرانی را داشتم که تکرار شوم اما دیگر سر فیلم «اینجا بدون من» و بعد «حوض نقاشی» نتوانستم نپذیرم. با وسواس خاصی سعی کردم آنها را متفاوت بازی کنم چون واقعا حیف بود بازی نمی‌کردم.

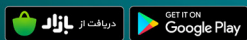
بعد از بازی در فیلم کمدی «قندون جهیزیه» فقط یک پیشنهاد کمدی داشتم که آن را هم نشد بازی کنم اما خودم خیلی دوست دارم فیلم کمدی بازی کنم. به این موضوع علاقه‌مندم آنچه را که بلد نیستم و تجربه‌اش را ندارم انجام دهم. حتما اگر یک کمدی جالب خوب باشد بازی می‌کنم.

اگر فیلمنامه «نگار» می‌آمد در خانه من حتما بازی می‌کردم، حتی اگر رامبد همسر من نبود. رامبد کسی است که برای کارش خیلی خیلی جایگاه ویژه‌ای قائلم. برای اینکه در هر دوره‌ای هر کاری کرده خیلی مهم بوده است. همیشه جرات این را داشته کاری انجام دهد که در دوره خودش کسی آن را انجام نمی‌داده است. من همه کارهایش را



بهتره!

www.ewano.app



اوانو ewano

هواداری با

خرید بسته پرداخت قبض

کارت به کارت

خرید شارژ